

« انتشار اسناد سیاسی ایران در انگلستان »

اخیراً وزارت امور خارجه انگلستان چنانکه مرسوم آن وزارتخانه است اسناد سیاسی مربوط بایران را در پنجاه سال پیش در لندن در چندین مجلد قطور در دسترس عموم گذاشته است. اسنادی است مربوط بسالهایی که در ایران انقلاب مشروطیت در میان بوده است و برای ما ایرانیان و تاریخ مملکتمان و مخصوصاً تاریخ انقلاب مشروطیت حایز نهایت اهمیت است.

در میان این اسناد صورت چند فقره از مواعظ و نطقهای سید جمال الدین واعظ موجود است که سفیر انگلستان در ایران موسوم به « سر سیسیل اسپرینگ ریس » برای وزیر خارجه انگلستان « سر ادوارد گری » میفرستاده است (نطقها را مستر چرچیل دبیر شرقی سفارت انگلستان در طهران از فارسی به انگلیسی ترجمه میکرده است) .

تا کنون متن دو فقره از این نطقها بدست راقم این سطور رسیده است^۱. نطق اول در ضمن گزارش سفارت انگلستان در تابستان سال ۱۹۰۷ میلادی در تحت مشخصات اندیکاتور (F. O. 371 (301)) و نطق دوم در ضمن گزارش مورخ بچهارم ژانویه ۱۹۰۷ در تحت مشخصات اندیکاتور (F. O. 371 (306)) از طهران

(۱) در اینجا لازم میدانم از آقای جواد شیخ الاسلامی که صورت این دو نطق را با ترجمه فارسی که زحمت آن را هم خود ایشان متحمل شده و برای این بنده فرستاده اند قلباً سپاسگزاری نمایم .

بلندن فرستاده شده است.

در ضمن گزارش (در تحت نمرة ۴) چنین میخوانیم:

« در قسمت مهمی از شبهای ماه گذشته آقا سید جمال واعظ و مبلغ سرشناس نطقهای مهیجی در مساجد طهران که دائماً از جمعیت عوام الناس و ازدحام مردم لبریز است ایراد کرد و جملات مختصری که در ذیل نقل میشود مستخرج از یکی از موعظه‌های بیشمار اوست و زمینه و هدف ناطق را خوب نشان میدهد. »

مستخرج از نطق آقا سید جمال :

« روحانیان بمن میگویند که ولیعهد طرفدار مشروطیت است^۱. خدا کند چنین باشد ولی اینرا نیز بدانید که ملتی در دنیا بدون خونریزی و دادن قربانی موفق بتحصول آزادی نشده است. من باب مثال روسیه را در نظر بگیرید. قیصر روسیه با كمك يك قشون دو ملیون نفری که او را بچشم پدر و ارباب تاجدار و حتی بچشم خدا مینگریستند موقعی که با افکار عمومی ملت روپرو شد ناچار گردید در مقابل جبهه متحد خلق و ملت سپر بیندازد و بمردم روسیه مشروطیت اعطاء کند. ای مردم، شما هم نباید از فدا کردن جان خود باك داشته باشید و بدانید که هر گک شرافتمندانه صد بار از زندگانی ننگین بهتر است. »

مستخرج از موعظه دیگر سید جمال الدین:

« ایها الناس، ای برادران و هموطنان محبوب من، این مستی خطرناك که شما را در خواب غفلت نگاه داشته است تابکی؟ بس است. بحد کافی در خواب بوده اید و اکنون باید بیدار بشوید و چشمتان را باز کنید و ببینید در جهان چه میگذرد. امروز حتی وحشیان دنیا از سیاه پوستان افریقائی گرفته تا سیاهان زنگبار در شاهراه ترقی

(۱) مقصود محمد علی میرزا است (ج. ز.)

پیش میروند و مقصود و منظور آنها متمدن شدن و کار کردن و دانش آموختن و زندگانی مرفه داشتن است^۱. بهمسایگان ما که از بردن اسمشان معذورم^۲ نگاه کنید و درس عبرت بگیرید. اینها تا دوست سال پیش در وضعی بمراتب بدتر از وضع کنونی ما بسر میبردند ولی اکنون بنگرید و ببینید که آنها چه شده اند و ما چه هستیم».

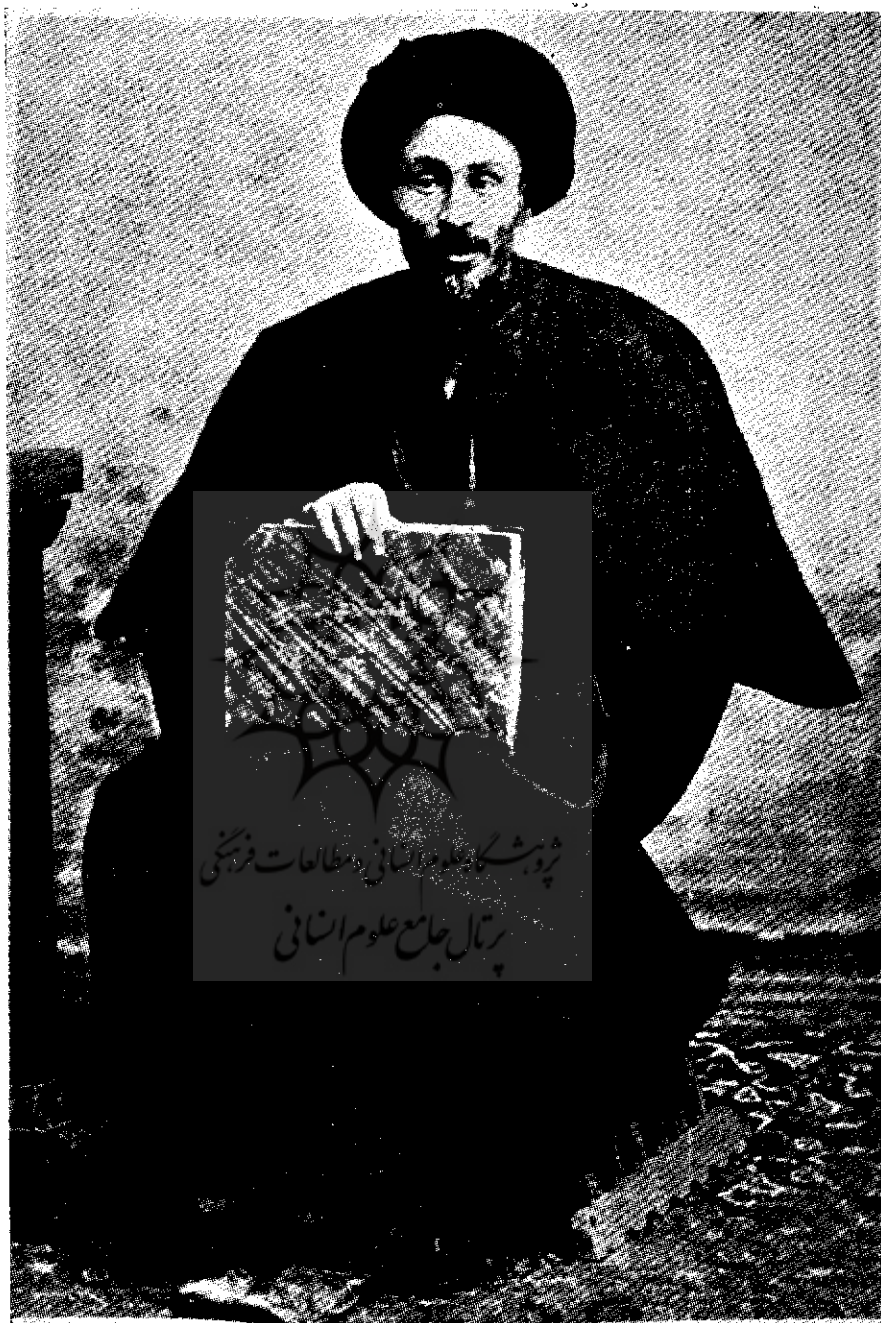
ناطق پس از اشاره بوضع رقت بار قشون ایران به بیانات خود ادامه داده میگوید: «تاریخ بما میگوید که روزگاری در شهر کاشان دوازده هزار کارخانه بافندگی و حریر بافی وجود داشته است درحالیکه امروز اگر بگردید بزحمت پنجاه کارخانه پیدا خواهید کرد.

«تمام این بدبختیها و انحطاط صنعتی ایران نتیجه ظلم و استبداد و نبودن قانون است ولی درضمن باید اعتراف کرد که روحانیان و رهنمایان معنوی شما هم در این میانه بی تقصیر نبوده اند چونکه آنها دائماً از بالای منبرها بشما یاد داده اند و هنوز هم یاد میدهند که زندگی کوتاه و گذران است و کسب افتخارات دنیوی چیزی که ترضیه بخش حس کبریای بشری باشد نیست. بشما گفته اند و باز میگویند که هر کسی پنج روزه نوبت اوست و هر کسی چند روزه درین دارفانی میهمان است و بس باید تنها در فکر آخرت بود و ازین قبیل حرفها. اینگونه وعظهای مسموم کننده نتیجه ای جز این ندارد که شما را بزبونی و بندگی و تسلیم شدن و ادارمیسازد و از آن برتر اینکه شما را در حال جهل و بیسوادی نگاه میدارد. این روحانیان و علما در تحت عناوین مختلف از قبیل اعانه، صدقه، خمس، اوقاف، زکوة، حق امام و غیره و غیره از شما پولتنان را میگیرند و پادشاهتان هم^۳ بنحوی

۱- آیا چنین سخنانی در ۵۶ سال قبل خالی از اعجاب نیست (ج. ز).

۲- مستر چرچیل در حاشیه افزوده است که منظور روسها هستند.

۳- چرچیل مترجم نطق در حاشیه افزوده است که «درین تاریخ مظفرالدین شاه مرده و محمدعلی میرزا بسلطنت رسیده بود» و بنا بر این اشاره آقا سید جمال به محمدعلی شاه است. من پسر سید جمال الدین هم میافزایم که محمدعلی شاه سرانجام حق سید را کف دستش گذاشت و او را بقتل رسانید.



پیشوا کمال الدین و خاندان فرنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سید جمال الدین واعظ اصفهانی

دیگر شما را غارت میکند و با استفاده از قدرت استبدادی و آلات و وسایل و زروسیم که در اختیار دارد گرانبها ترین چیزهای شما را که عبارت است از مال و آزادی و حقوق انسانی شمارا از دستتان میگیرد... اکنون شما - شماهایی که پای منبر و عظم من نشسته اید - اگر درست درباره این حرفهایی که امشب برایتان میزنم فکر کنید و ازمن که یکی از پدران روحانی شما هستم حرف بشنوید... وظیفه اساسی خود را فی الفور تشخیص خواهید داد. تشخیص خواهید داد که وظیفه امر روزی شما چیزی جز این نیست که بیدارنگ بیدار شوید و شروع باصلاح وضع خود بکنید... ولی هیچکدام از این کارها عملی شدنی نیست مگر اینکه يك شرط مهم و اساسی قبلا تأمین شود و آن باسواد شدن مردم است... استادان فاضل و بی غرض که نیات و مقاصد سوء سیاسی نسبت بکشور نداشته باشند از امریکا و دیگر کشورهای بیطرف بایران بیاورید تا فرزندان شمارا باسواد کنند... هنگامیکه ملتی باسواد شد افراد چنین ملتی هرگز حاضر نخواهند شد وضع فلاکت بار پدران خود را بعنوان «مشیت الهی» بپذیرند. کدوکان درس خوانده همینکه بزرگ شدند در راه تحصیل عدالت و آزادی و مساوات مبارزه خواهند کرد و این همان سه چیز است که اساس تعلیمات قرآن را تشکیل میدهد و من در آثار چاپ شده خودم آنها را مفصلا برایتان تشریح کرده ام و حالا هم برای اطلاع کسانی که قادر بخواندن نیستند عصاره آنها را تکرار میکنم و میگویم که کسب علم و دانش اولین و مهمترین امر خداوند در قرآن است برای هر مردی و برای هر زنی. دیگر خدا یار و پشتیبان شما باشد.»

